

مختصر ترجمه حال رئیس اداره مرکزی اطلاعات

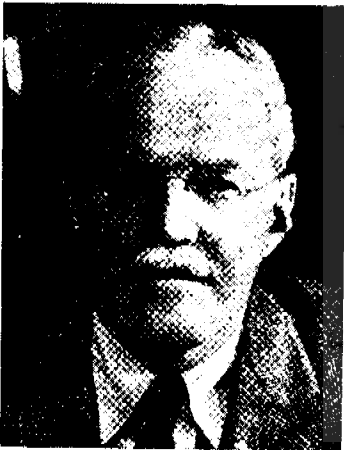
(جاسوسی آمریکا)

نقل از هفتگی نامه ابزدور، چاپ انگلیس،

شماره اول خرداد ۱۳۳۹ = ۲۲ مه ۱۹۶۰

ترجمه ع. م. عامری

تنها کسی که ممکن است وی را در برهم زدن انجمن سران، رقیب خروشچف به قلم آریم
الن ولش دالس رئیس اداره مرکزی اطلاعات امریکاست که هوایمای یو - ۲ را برای جاسوسی
به آسمان کشور روس روانه داشت.



هفت سال است الن دالس اداره‌ای را که شاخه‌ای
از دستگاه حکومت امریکا محسوب است می‌گرداند.
رئیس جمهور او را بدین سمت منصوب داشته و وی
مستقیم به فرمان اوست اما انتصابش به تصویب مجلس
شیوخ است و هر زمان ممکن است شیوخ او را برای
ادای توضیحات به انجمن سرئی یا علنی مرکب از اعضای
مجلس دوگانه احضار نمایند.

دالس، هیچگاه، بیرو اداره سران جنگ امریکا
نیست. در انجمن رای زنی امنیت کشور حضور می‌یابد
و با اعضای آن همکاری می‌کند اما وظایف این انجمن
با وظایف اداره اطلاعات فرق دارد. تکلیف اساسی
دالس و اداره‌اش این است که خبرهایی که ممکن است
به حال دولت امریکا سودمند افتد به چنگ آورد.

الن دالس

تصمیماتی که رئیس جمهور وزیردستانش اتخاذ می‌کنند مبتنی بر گزارشهایی است که هفته به هفته،
دالس بدآتآن عرضه می‌دارد. مثلاً دالس به اتکاء مدارکی که فراهم آورد گزارش داد که چرا
خروشچف، هفته گذشته، در پاريس ناسازگاری و چموشی کرد.

در برابر وزارت اطلاعات انگلیس یا اداره دوم فرانسه یا اداره اطلاعات روس که سران
آن اقوام همه وجود آنها را پنهان می‌دارند و حتی گاهی هم منکر می‌گردند امپراطوری عظیم
دالس پنهان نیست بل که چون روز آشکارا است و تشخیص آسان. این اداره، تازگیها، در
بیرون شهر واشنگتن بنایی بزرگ و نو برافراشته که نامش در دفتر تلفون آمده و چندین دستگاه
تلفون، با سیمهای اصلی و فرعی، دارد. دالس گروهی عظیم از جوانان درس خوانده را که لباسهای
خاکستری تیره رنگ راه برتن می‌کنند به خدمت گرفته است. و هر زمان کسی ازین جوانان

بیرسد چه کار برعهده دارند جواب می‌شود « در اداره‌ای دولتی خدمت می‌کنیم. » (۱) رئیس جاسوسان، خود، در دستگاه دولت، رفیع جاه است و بیش هزار من آب برمی‌دارد. در میهمانیها و دعوتهای رسمی نامش در سبانه محتشمان ثبت افتاده است.

اما اگر دستگاه کار آگاهی هیچ کشوری چنین آشکارا نیست، در عوض، هیچ کشوری هم بیش از امریکا از وجود چنین دستگاهی شرم‌زده نیست (۲). در سال ۱۹۲۹ هنری استمسون، وزیر خارجه امریکا، شعبه تفتیش نامه‌های رمز وعادی را از هم باشید و گفت « هیچ آدم با آب روی حلال زاده نامه دیگران را، دزد، نمی‌خواند. » پس از واقعه نایبوس پرل‌هاربر (۳) بود که سپهد دنوان اداره « تدابیر جنگی » را تأسیس کرد. حشم و حاشیه سپهد مر کب بود از گروهی استادان هوشمند جوان اما از وجود شبروانی که به تربیت و ارشاد به صلاح آمده بودند و دختران موی بور زیبا روی کم‌هوش که در کوچه پس‌کوچه‌ها، میعاد گاه اهل‌دل، پرسه می‌زدند و به عباراتی نظیر عبارات داستانهایی جنایی و قصه‌های سربسته (۱) و جاسوسی سخن می‌گفتند استفاده می‌کرد. جانشینان او این کار را بس‌نکوهیده شمردند. در سال ۱۹۴۷ به اقتضای مکاربه و ستیز و آویزی (= جنگ سرد) که میان ملل در گرفته بود اداره « تدابیر جنگی » به صورت اداره مرکزی اطلاعات درآمد.

الن دالس، مؤسس این اداره، با برادرش، فوستر دالس، فرق بسیار دارد. پدر این دو عالیجناب کشیشی بود ساکن نیویورک، از خانواده‌ای سرشناس، متول، محترم و از طبقه‌ای والا و دامن پرورد. هر دو پسر علم حقوق خواندند. هر دو، مانند افراد دیگر طبقه خوش‌زندگانی، بسیار آرام و متین و از خروش و شتاب‌دگی که معمولاً از صفات امریکاییان است مبرا بودند. فوستر دالس مردی بود تو برتوی، ناساز، مردم‌گریز. الن دالس، برخلاف، مردی است قوی هیکل، آمیزگار و اشراف‌منش. چپق می‌کشد و تا بتواند ورزش می‌کند. با زیردستانش کلف می‌بازد و به شنا کردن می‌رود. در حین بازی از همگنان مسائل بیچ‌دریغ فنی می‌پرسد. چون همسران هم‌بایگان خویش، چه در امریکا چه در انگلیس، مثلاً مانند سالزبوری (شریف‌زاده)، لباس بسیار بسیار ساده می‌پوشد و مدعی است که چنین لباس بر اندامش زینده‌تر است. فرق این دو برادر در خلق و خوی از رایی که نسبت به کشور شوروی داشتند نمایان گشت.

۱- در روابط میان ملل جاسوسان همان مقام دارند که بلايگان (= زنان پریشان‌کار) در جامعه مادرند که با همه تنگینی وجودشان ضروری است. قاعده هیچکس، آسان‌آسان، معترف نمی‌شود که از وجود بلايگان استفاده می‌کند (نقل از ابرود، شماره ۱۵ مه ۱۹۶۰).

۲- ترومن در کنفرانس مطبوعاتی خود گفت « جاسوسی‌کار بسیار آلوده و تنگینی است. من در سال ۱۹۴۹ اظهار عقیده کردم که این کار لازم نیست. »

ترومن گفت « امریکا در زمان ریاست جمهوری وی هواپیمایی داشت که می‌توانست به پروازهای فوق معمولی در ارتفاع سی هزار متر بپردازد. مژدک من این پروازهای اکتشافی را لازم ندیدم. من نمی‌خواستم در کثافت عملیات جاسوسی غرق شوم. » هینا نقل از اطلاعات، شماره ۱۷ خرداد ۱۳۳۹

۳- در جزیره هواثه (Hawaii) واقع در اقیانوس کبیر، از پایگاه‌های قوه بحری امریکا. در هفتم دسامبر ۱۹۴۱ ژاپن، ناگهان، این پایگاه را بمباران کرد.

الن دالس، برخلاف برادر، معتقد به جهاد به ضد شورویان نیست. حقیقت بین است. فوستر دالس بدین عقیده مؤمن بود که روسیه، از داخل کشور، ریشه‌اش به آب می‌رسد و کلکش کنده می‌شود. الن دالس پس از مطالعه شواهد و قرائن فراوان چنین می‌گفت که شیوه حکومت روسیه یکسره از میان رفتنی نیست اما احتمال دارد که تحولاتی در آن روی دهد و وضع به بهبود گراید. حتی در سال ۱۹۵۶ از مذاکره در منع آزمایش بمب اتمی و ایجاد منطقه‌های تقطیش در اروپا دم می‌زد. علاوه برین وی معتقد بود که چون روسیه امید دارد بی‌جنگ به آرزوی خویش برسد امریکا را مصلحت این است که به همان اندازه کومک نظامی در تدبیر و توفیر معیشت یاران خویش بکوشد. برای نیل به ریاست اداره جاسوسی که منزلت وزارتخانه دارد الن دالس مدت‌ها شاگردی کرده است. این مرد روی شناس و اشنگتن که خانه‌ای زیبا در حومه محتشم نشین محله جورجتون شهر واشنگتن دارد نزدیک سی سال است که دست اندر کار جاسوسی است. خدمتش در جنگ جهانیگیر نخستین در شهر برن آغاز شد. در آنجا موظف بود که دستگاه جاسوسی را در امپراطوری اطریش - هنگری بگرداند. روزی روزنامه نگاری از وی خواهش دیدار کرد. نپذیرفتش. بعد معلوم شد که روزنامه نویس ترسکی بوده است. از آن پس قراردادش برین گشته که هر روزنامه نگاری که به زیارتش بیاید وی را بپذیرد.

الن دالس در حدود سال ۱۹۲۵ دختر استاد یکی از دانشگاه‌ها را به زنی گرفت و از خدمت دولت استعفا خواست و در نیویورک به وکالتخانه برادرش. وکالت می‌کرد تا واقعه پرل هاربر وی را از نو به خدمت دولت کشید. در جنگ جهانیگیر دوم بازمقرش را سوپس قرارداد و از جمله آن عده بسیار معدودی بود که هم جرات و هم آن هوش سرشار لازم را داشت که با آلمانهای مخالف حکومت سرورس داشته باشد، اگر چه سرورسش گاهی تبهناک بود. پس از جنگ، از خدمت دولت کناره گرفت اما در سال ۱۹۵۰ به کار دولتی باز آمد تا به تحقیق دقیق معلوم دارد این کودک نوزاد ضعیف بنیت که اداره اطلاعاتش می‌خوانند چه مرض دارد.

وی در سال ۱۹۵۳ رئیس آن اداره شد. پسری یگانه دارد که در جنگ کاسه سرش آسیب دید. دو دخترش، هردو، به شوی رفته‌اند و در کشور یگانه زندگی می‌کنند.

شماره زیردستان این «امپراطور» را از ۳۰۰۰۰۰ تا ۳۰۰۰۰۰ تخمین می‌زنند. مخارج دستگاه او را در سال از ۱۰۰ میلیون دلار تا یک بیلیون دلار قلمداد می‌کنند. مجلسیان ازین اعتبار خیر ندارند. فقط چند نماینده مجلس ازین اداره و اعتبار هنگفت آن مختصر اطلاعی دارند اما هیچ کدام خبر شافی و واقعی ندارند. واقعه‌ای چون واقعه سرنگون شدن هوایمای یو - ۲ می‌بایست تا معلوم شود اسرار دشمن به چه فند و قملها بدست می‌آید. اعتبار این گونه هوایماها را به نام اعتبار هوایمای مخصوص هواشناسی تصویب کرده‌اند.

معروف است که در دولت فعلی این مرد جوانمردترین رئیس اداره‌ای است که می‌توان زیردست او، به جمعیت خاطر، کار کرد. به زیردستان بیش از هر رئیس دیگر فسحت میدان جنب و جوش می‌دهد. در دوره داروگیر مک کارنی به کارمندانش دستور داد که به عنوان گواه به محضر مک کارنی حاضر نیایند. خود او نیز حاجت مک کارنی را لیک نکفت و هیچیک از پرسشهای وی را پاسخ نکرد. آری «بی جرم دراز زبان بود و مجرم کند زبان.»

ناگفته نگذارم که از کارمندان، خوب، کارمی کشد. کار ساعت هفت و نیم صبح آغاز می‌گردد

و رؤسای دوائر تا ساعت هفت ونیم بعد از ظهر جان می کنند. رؤسای دواير مردمانی هستند کافی و یراستعداد . به اشتیاق و با خلوص نیت به دالس خدمت می کنند خاصه که در امور فکری و تحقیقی بدآنان آزادی عمل می دهد . گاه به خدمتش می رسند و پیشنهادهای می دهند که در بادی امر مضحک و نامعقول به نظر می آید اما او به هیچوجه آنان را فسوس نمی کند و توری ذهن آنان نمی زند . فکرهای بکر را خوش می دارد . مثلا اگر یکی از رؤسای دوائر بگوید « می خواهم غزلهای سروده مائوتسه تانگ را مطالعه کنم تا به نحوه فکر امام چینیان پی برم و بدین حيله چند بند مشکل بگشایم دالس تریبی می دهد که وی به فراغ بل بدان وظیفه مشغول گردد .

از هزار دانشجوی ازدانشگاه بر خاسته که آرزوی خدمت دارند فقط نه تن برگزیده می شوند تا برای مقامهای عالی این دستگاه ، به تربیت ، آماده گردند . دستگاه تعلیماتی کارمندان ۶۸ زبان بیگانه تدریس می کند . زبان آذربایجانی از آن جمله است . متلمان ، زبان روسی را باید ده هفته چنان یاد گیرند که روزنامه یراودا [= حقیقت] را به سهولت ترجمه کنند . مأمور هر کشور باید تاریخ و ادبیات آن کشور را به تفصیل فرا گیرد و در جلسه های امتحان بسیار دشوار شرکت جوید (این رسم با رسوم دستگاه کار آگاهی انگلیس بسیار فرق دارد) . به هنرها ، تماشخانه ها و نمایشنامه های آن کشور شناسا باشد چه در میان بیگانگان ازین راهها می توان دوست فراهم ساخت . هر آن کس که بخواهد با دالس کار کند باید از هر گونه نیت ضد دنیای آزاد بری باشد . پیش پیش به جزئیات زندگی چنین آرزومندی رسیدگی و وضع خانواده او را تا دو نسل به عقب بررسی می کنند تا هویدا گردد در آن خانواده ضعیف عقل یا دیوانه ای وجود داشته یا نه . پایه تحصیلات و نمره های درسی او را نیز به حساب می آورند . در باب دوستان و حتی معشوقگان او ، موشکافانه ، تحقیق می کنند . در آغاز خدمت با آلت دروغ سنجی مبلغ دروغ زنی او را معلوم می دارند و این کار در مدت خدمت بارها تکرار می شود . طبیبان حالات نفسانی ، که خود درین گونه امتحانات کامیاب بوده اند ، آرزومندان خدمت را می آزمایند . خادمه ها ، ماشین نویسها ، یاسداران اتومبیلهای کارمندان ، آبدارباشیها ، مستخدمه های خوردنگاه اداره همه ، بی استثناء ، باید از یرل صراط امتحانات بگذرند . ازین بابت هیچ کارمندی را گزیر نیست .

بعضی از داوطلبان باید به علم شیمی و مباحث مربوط به افزار الکترونیکی مسل باشند . بعضی کشتیان می شوند . گروهی هم باید ، برای کوجه غلطی ، خود را عاشق سته چاک مذهب اشتراکی معرفی کنند ، یارو دیار را ترک گویند و در پاریس و اطریش رحل اقامت افکنند ، از سفارتخانه های خویش ، به تلبیس ، ملامتها بشنوند و جفاها بکشند به امیداین که سرانجا ، به عیاری ، به حلقه اشتراکیان درآیند ، و به حيله درد دل آنان راهی کنند ، و خویشتن را مخلص دن آنان جابزنند . دالس بدین گروه مزور اجازه می دهد که برای راه یافتن به گروه های زیر جلی اشتراکیان و ایجاد اطمینان درد دل آنان حتی از عملهای زیان بخش نسبت به کشور امریکا دست وا ندارند (۱) .

۱- واشنگتن - ۵ اوت - یونایتد پرس - وزارت دفا - امریکا امروز اعلام کرد که احتمال دارد دو نفر ریاضی دانی که در سازمان سری امنیت ملی امریکا خدمت میکردند ، و از ۲۴ ژوئن گذشته ناپدید شده اند ، به پشت پرده آهتین رفته باشند . اما آنها اطلاعات مهمی در دست ندارند که اگر فاش کنند بزبان امریکا تمام شود .

این دو ریاضی دان از دوستان بسیار قدیمی یکدیگر هستند و بطور مجرد زندگی میکنند و سابقاً در نیروی دریایی امریکا کار میکردند (عیناً نقل از روزنامه اطلاعات ، شماره ۱۰ مرداد ۱۳۹۹) .

لزوم ندارد که کارمندان اداره دالس همه امریکای قفق باشند. اداره افرادی دارد از اهل کشور های بیطرف و کشورهای پیرو روسیه. کمتر اتفاق افتاده که این سرسیردگان زنهارخورند. معاذالله که به سرور خویش، دالس، «نارو» بزنند. مأموران گاه ملاحظند که به ندائیری خود را به بنادر روسیه می‌رسانند، حتی ممکن است، اصلاً، روس باشند. جمعی هم در کالمیوننگ، واقع در سر راه تبت، یا در هنگ کنگ (۱) یا ماکائو (۲) یا برلن غربی دست به کار گردند. تخصص این گروه درین است که مردمان را به فرار تشویق کنند و راه گریز را هموار سازند یا نقشه کسانی که در جست و جوی فراریانند برهم زنند و هنگام ضرورت آنان را به قتل آرند.

باجه این تفصیلات، خبرهایی که بدست دالسین می‌آید جزئی از اخباری است که اداره مرکزی اطلاعات برای او تهیه می‌کند. بیشتر اخبار بدین گونه تحصیل می‌گردد که ابتدا واقعه‌ای حقیر یا حادثه‌ای کم ارج که حکم داده‌ای غله در خرواری گاه دارد برای تحقیق و تعمق به کارکنانی داهی تجویل می‌دهند. داهیان در خبر خرد دقیق، خوش می‌فرمایند و ارتباط آن را با خبرهای دیگر که از کشور روسیه درز کرده به صورت مختلف می‌سنجند و وصله و بینه می‌کنند تا سرانجام به واقعه‌ای عظیم برخوردند. نیروی هوایی، به‌نازگی، آلتی تمبیه کرده که می‌تواند در یک دقیقه ۱۶۰۰۰ کلمه روسی را به انگلیسی برگرداند.

اداره اطلاعات، شب‌اروز، مشغول است و هر گفتاری را که کشور شوروی و پیروانش، به هر زبان، بخش کنند به ثبت ضبط می‌آورد. همه روزنامه‌های اشتراکی را می‌خرد و به دقت آنها را وامی‌رسد. روزنامه‌ای محلی شکایت شدید لجن کارگری را چاپ کرد مبنی برین که مواد طبیعی (خام) دیردیر به کارخانه می‌رسد. اعضای اداره اطلاعات شکایت را با تغییر ساعات رفت و آمد قطار راه آهن مرتبط ساخت و اشاره مبهم کارمندی یکی از کشورهای پیرو شوروی را با کوشش در راه تهیه کارگر برای اجرای نقشه‌ای که در سبیری باید عمل گردد تطبیق داد. نتیجه این که اداره اطلاعات از وجود دو کارخانه بزرگ آتمی، که تا آن زمان همه از آنها بیخبر بودند، باخبر شد.

الندالس به دستگاه جاسوسی جنبه تخصصی و علمی داده و روح جان نثاری و از خود گذشتگی اداره کارآگاهی انگلیس را بدان دمیده است. سران دوائر اداره اطلاعات عالمان و بخردان طراز او! واشنگتن هستند. جاسوسان، بسیار پخته و عالی از کار درآمده‌اند. از جمله هنرهای بدیع آنان این که نطق خروشچف را به ضد استالین، پیش از آن که زعمای کشور روسیه فرصت یابند بدان سرو صورتی دهند و دنیا بسندش سازند و سپس آن را نشر کنند، جاسوسان دستگاه عین آن را به چنگ آوردند و پیش پیش چاپ کردند.

کار دستگاه دالس منحصر به جمع‌آوری خبر نیست. در سیاست خارجی هم مشی خاص دارد. همین دستگاه جاسوسی دالس بود که در ۱۹۵۰ میان یاقیان یشتی چیان کاشیک در شمال بورمه اسلحه بخش می‌کرد در حالی که سفراء و فرستادگان مبهوت امریکا از واقعه اظهار بیخبری می‌کردند و راست هم می‌گفتند.

دستگاه جاسوسی دالس هوایمای اکتشافی نه تنها به آسمان روسیه می‌فرستد بل که به آسمان کشور چین هم ناخنک می‌زند (درمحل، این جاسوسان به نام ارواح واشیاخ (۳) معروفند). الندالس در لائوس (۴) و مصر هم سیاستی جدا از سیاست وزارت خارجه امریکا بگری می‌داشت. در

فرمز دسته‌ای مخصوص را برای خرابکاری تعلیم می‌داد. جان پوریفوی (۱) سفیر امریکا در گواتمالا (۲) که به یک نهب حکومت آن کشور را برانداخت، به اقرب احتمالات، جاسوس دستگاه جناب مستطاب فغامت نصاب آقای الن دالس بود.

علاوه برین، اداره جاسوسی، در امریکام، به سیاست بازی مشغول است. سران دواشر با گروهی روزنامه نویس برگزیده رازونیز دارند و خبرهایی به آنها می‌دهند و در عوض از آنان چشم یاری دارند. رؤسا گاهی، به وسیله این روزنامه‌ها، مردمان امریکارا از خطرهای احتمالی می‌آزیرند و از عیوب دستگاه دولت آنان را مطلع می‌سازند. این عمل سخت مقبول طبع مردمان واشنگتن افتاده است و آن را نوعی رسیدگی به حساب دولت می‌دانند. همین دستگاه بود که به امریکاییان خبر داد که امریکا از حیث سلاح پرتابه (۳) از شوروی فرسنگها پس افتاده است. نمی‌دانم که نشر این خبر به اجازه دالس بوده است یا نه. باهمه کافر ماجرای که در کاخ سفید برپا شد و وحشتی که بر انگیخت دالس هیچ کارمندی را زجر و طرد نکرد.

جان به سلامت بردن و بر جای متمکن بودن دالس، باهمه این وقایع ناگوار، شاهی است صادق که این جناب اجل در نظر همگنان و دولتیان مقامی معزز و محتشم دارد. دالس مدعی است که یا باید صد درصد معتمد علیه دولتیان و مجلسیان باشد و افکار و اعدايش، در مواقع لزوم، بی چون و چرا مقبول افتد یا از تصدی اداره برکنار گردد. شق ثالث ندارد.

همه او را معتمد علیه می‌شمرند و به بانگ بلندی گویند: «إِنَّكَ الْيَوْمَ كَدَيْنًا آمِينَ مَكِينٌ». هنگام وقوع واقعه یو - ۲، برای جلب اعتماد بیشتر و اقتناع خردگیران احتمالی، از کارخانه های کشور روسیه تصویرهایی به زعمای قوم نشان داد و گفت تهیه این گونه تصویرها فقط از راه هوا مقدور است چه جاسوسی در روسیه به نحوی دیگر از همه کشورهای عالم دشوارتر است.

هرگاه چنین «بلند پروازها» موقوف گردد بنیاد دستگاه دالس سخت سست می‌گردد. تا بازار مکاره و ستیز و آویز گرم است الحق لزوم این کار را نتوان منکر شد. اما جای افسوس است که در قرن بیستم مردی با چنین اصالت و نبالت به شغلی موظف گردد که، اخلاقاً، بس زشت و پلشت است.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی